

Research Article

doi: [10.71633/jshsp.2025.1031805](https://doi.org/10.71633/jshsp.2025.1031805)

Analysis of Urban Functions in Rural Development (Case Study: Rudbar County)

Manouchehr Nasiri Moghadam¹, Teymour Amar^{2*} & Parviz Rezaei³

1. Ph. D in Geography and Rural Planning, Department of Geography, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

2. Associate professor, Department of Geography, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

3. Associate professor, Department of Geography, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran

* Corresponding Author: Email: Amar@iaurasht.ac.ir

Receive Date: 25 June 2021

Accept Date: 01 November 2021

ABSTRACT

Introduction: The role of small towns in rural areas and the development of these areas is no secret to anyone. The function of cities is manifested in areas such as providing services, exchanging production factors, and playing a complementary role in the development of rural areas. In this regard, planners in developing countries have paid special attention to issues such as spatial decentralization, reducing regional inequalities, and urban-rural duality, and are seeking to adopt strategies to overcome these problems.

Research Aim: Analysis of urban functions in rural development of Rudbar County.

Methodology: The data used in the research include population indicators such as number, households, and growth rate during the census periods of 1966 to 2016. In this study, using quantitative entropy and elasticity models, the role of seven cities: Rudbar, Manjil, Lushan, Jirandeh, Baresar, and Totkabon in the development of their adjacent villages has been evaluated.

Studied Area: The study area in this research is Rudbar County in Guilan Province.

Results: The findings of the research show that the city of Baresar has been able to have a favorable impact on the balanced and balanced distribution of the population and the establishment of rural settlements in its area of influence and has led its area of influence towards a balance in the urban hierarchy and spatial distribution. The cities of Totkabon and Manjil have also been able to create a balance in the urban hierarchy to some extent. However, the cities of Rostamabad, Rudbar, Lushan and Jirandeh have been the cause of population concentration. It was also found that in the cities of the county, population concentration is higher due to the existence of economic and social services.

Conclusion: The small and medium-sized towns of Rudbar County were influential in equipping the infrastructure services and facilities of the surrounding rural areas. There is a relationship between distance from urban centers and the quality of communication networks with the physical and economic developments of the rural community in the area. The increase in the scope of influence and spatial performance of the cities of Rudbar County has led these cities to play their role in maintaining the population as a labor force in the economy of the villages within their sphere of influence.

KEYWORDS: City Function, Rural Development, Entropy Model, Elasticity Model, Rudbar County



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۲۰، شماره ۲ (پیاپی ۷۱)، تابستان ۱۴۰۴
شاپای چاپی ۰۵۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۰۵۹۵۸-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>
صص. ۱۳-۱

doi: 10.71633/jshsp.2025.1031805

مقاله پژوهشی

تحلیل کارکردهای شهری در توسعه روستایی (مطالعه موردی: شهرستان رودبار)

منوچهر نصیری مقدم^۱، تیمور آمار^{۲*} و پرویز رضائی^۳

۱. دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

۲. دانشیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

۳. دانشیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

* نویسنده مسئول: Email: Amar@iaurasht.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۴ تیر ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۱۰ آبان ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: نقش شهرهای کوچک در حوزه‌های روستایی و توسعه این مناطق بر کسی پوشیده نیست. کارکرد شهرها در عرصه‌هایی چون خدمات رسانی، تبادل عوامل تولید و ایفای نقش مکمل در توسعه مناطق روستایی بروز می‌یابد. در این راستا برنامه‌ریزان در کشورهای در حال توسعه به مسائلی چون تمرکززدایی فضایی، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، دوگانگی شهری - روستایی توجه ویژه داشته و به دنبال اتخاذ راهبردهایی برای برون رفت از این مشکلات هستند.

هدف: تحلیل کارکردهای شهری در توسعه روستایی شهرستان رودبار است.

روش‌شناسی تحقیق: داده‌های مورد استفاده در تحقیق شامل شاخص جمعیتی نظیر تعداد، خانوار و نرخ رشد در طول دوره‌های سرشماری ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ است. در این پژوهش با استفاده از مدل‌های کمی آنتروپی و کشش‌پذیری به ارزیابی نقش ۷ شهر: رودبار، منجیل، لوشان، جیرنده، بره‌سر و توتکاین در توسعه روستاهای مجاور آن پرداخته شده است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: محدوده مورد مطالعه در این تحقیق شهرستان رودبار در استان گیلان است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شهر بره‌سر، توانسته است تاثیر مطلوبی در توزیع متعادل و متوازن جمعیت و استقرار سکونتگاه‌های روستایی حوزه نفوذ خود داشته باشد و حوزه نفوذ خود را به سوی تعادل در سلسله مراتب شهری و توزیع فضایی سوق دهد. شهر توتکاین و منجیل نیز تا حدودی توانسته است تعادل را در سلسله مراتب شهری بوجود آورد. ولی شهرهای رستم‌آباد، رودبار، لوشان و جیرنده عامل ایجاد تمرکز جمعیت شده‌اند. همچنین مشخص گردید که در شهرهای شهرستان، تمرکز جمعیت به واسطه وجود خدمات اقتصادی - اجتماعی بیشتر است.

نتایج: شهرهای کوچک و متوسط شهرستان رودبار در تجهیز خدمات زیربنایی و امکانات نواحی روستایی پیرامون خود تاثیرگذار بودند. بین فاصله از مراکز شهری و کیفیت شبکه‌های ارتباطی با تحولات کالبدی و اقتصادی جامعه روستایی ناحیه رابطه وجود دارد. افزایش دامنه نفوذ و عملکرد فضایی شهرهای شهرستان رودبار باعث شده تا این شهرها جایگاه خود را در نگهداشت جمعیت به عنوان نیروی کار در اقتصاد روستاهای حوزه نفوذ ایفا نمایند.

کلیدواژه‌ها: کارکرد شهر، توسعه روستا، مدل آنتروپی، مدل کشش‌پذیری، شهرستان رودبار

مقدمه

از مسایل اساسی جامعه روستایی، الگوی نامناسب توزیع فضایی روستاها به ویژه پراکندگی و کوچک بودن آنهاست. این امر موجب شکل‌گیری الگوی توزیع نامتوازن جمعیت در نظام سکونتگاهی و عدم صرفه‌ی اقتصادی جهت خدمات‌رسانی به آبادی‌ها شده است. بروز نابرابری و عدم توجه به روستاها در درون منطقه، موجب ضعف و تسریع روند نابودی این کانون‌های سکونتگاهی و ایجاد عدم تعادل فضایی درون ناحیه و یک سویه شدن جریان خدمات، سرمایه، اطلاعات و جمعیت به سمت کانون‌های شهری شده است. در راستای ارائه خدمات و بالطبع فراهم نمودن زمینه‌های ایجاد تعادل و توسعه نواحی روستایی، سیاست‌ها و راهبردهای مختلفی برای کاستن از آثار منفی مشکلات و پاسخ به نیازهای زندگی در سکونتگاه‌های روستایی در پیش گرفته شده است. سکونتگاه‌های روستایی شهرستان رودبار، متأثر از شرایط محیطی (طبیعی-اکولوژیک) و انسانی (اجتماعی-اقتصادی) به نحوی متنوع و با تفاوت‌های منطقه-ای بر پا شده و در گذر زمان شکل امروزی را پیدا کرده‌اند. این تنوع و تفاوت در چارچوب تعاملات نابرابر بین عرصه‌های شهری و روستایی، موجب شده است تا شبکه‌ای نامنسجم و از هم گسیختگی از سکونتگاه‌های روستایی شکل گیرد.

این شرایط ضرورت تحول و برنامه‌ریزی جهت توسعه سکونتگاه‌های شهرستان رودبار را دو چندان کرده است. از اینرو برای دستیابی به ایجاد تعادل فضایی بین سکونتگاه‌ها، شهرهای کوچک به ویژه شهرهایی که موقعیت استقرار آنها شبکه سکونتگاه‌ها به صورت عامل و واسط میان کانون‌های شهری و روستایی عمل می‌نمایند، از درجه اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند.

در این تحقیق به بررسی تاثیر شهرهای شهرستان رودبار به برقراری تعادل نسبی جمعیتی و اقتصادی روستاهای حوزه نفوذ آن پرداخته می‌شود. همچنین این مساله که تا چه اندازه شهرهای شهرستان می‌توانند به عنوان حلقه ارتباطی در سلسله مراتب شهری، توان ایجاد رابطه ارگانیک بین کانون‌های شهری مختلف در پهنه محلی و منطقه‌ای و رشد و توسعه روستایی را در پی داشته باشند؛ از دیگر اهداف این تحقیق به شمار می‌رود.

برنامه‌ریزی توسعه روستایی، فرایند هدفمند با مشارکت روستائیان است. به عبارتی برنامه‌ریزی توسعه روستایی تعیین یک طرح مشخص و یک الگوی صریح جهت توسعه و شکوفایی زندگی روستایی، با پیش‌بینی و آینده نگری مسائل خاص اجتماعی و اقتصادی جهت توسعه است (کامران، ۱۳۷۴: ۲۴).

ایجاد و گسترش صنایع در مناطق روستایی کشور و طرح آن به عنوان یک جریان تولیدی به صورت وسیع و همه جانبه و به عنوان مکمل و پشتیبان کشاورزی و افزایش درآمد شاغلان این بخش و همچنین یک جانشین نیرومند برای جذب نیروی کار مازاد بر فعالیت‌های بخش کشاورزی در مناطق روستایی یکی از هدف‌های اصلی ایجاد صنعت روستایی کشور می‌باشد که تأثیر عمیقی در ساخت اقتصادی روستا دارد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲: ۱۵۶).

در طول دهه گذشته تعدادی از کشورهای در حال توسعه توانسته‌اند ضمن ارتباط متقابل با بخش کشاورزی زمینه مناسبی جهت توسعه روستایی فراهم آورند از این دیدگاه تمرکز زدایی صنعتی تنها با عنوان یک رهیافت مناسب به جهت حل بحران بیکاری مناطق روستایی و یا بعنوان یک مرحله موقتی در فرایند توسعه و نیز تفکری که دارای سیر قهقراپی با تکنولوژی غیر کارا است محسوب نمی‌شود بلکه این سیاست رهیافتی قابل انعطاف و دارای مطلوبیت برای دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی با تحقق عدالت اجتماعی است (طاهرخانی، ۱۳۷۹: ۴۶).

نظریه‌ی نئوکینزی (پایه‌ی اقتصادی): نئوکینزها توسعه‌ی ناحیه‌ای را وابسته به میزان صادرات می‌دانند به طوری که با تقسیم اقتصاد ناحیه به دو بخش پایه و غیر پایه، توسعه‌ی نواحی را ناشی از بخش پایه دانسته و معتقدند، سایر فعالیت‌ها زاییده‌ی رشد و فعالیت‌های بخش پایه است (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۴۷).

بنابر این، افزایش در تقاضای خارجی برای بخش‌های پایه محرک رشد و حرکت اقتصاد منطقه بوده و باعث می‌شود از طریق افزایش تقاضای خارجی برای کالا و خدمات بخش پایه؛ نه تنها درآمد و اشتغال بخش پایه افزایش می‌یابد، بلکه درآمد و اشتغال در بخش غیر پایه نیز افزایش خواهد یافت (زیاری، ۱۳۷۸: ۷۴).

موضوع نابرابری شهری و روستایی که بر مبنای نظریات قطب رشد و مرکز-پیرامون خلال سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در کشورهای جهان سوم شکل گرفته بود، زمینه را برای ارایه‌ی نظریه‌ی نظریه‌ی توسعه‌ی نامتعادل فضایی فراهم آورد. طبق نظر جانسون شکاف موجود در نظام سکونتگاهی کشورهای جهان سوم از طرفی به بهره‌وری کمتر در کشاورزی می‌انجامد و از سویی منجر به ناکامی‌های توسعه روستایی می‌گردد (پاتر و ایونز، ۱۳۸۴: ۱۲۷). عواملی برای تمرکز بیش از حد جمعیت و فعالیت در

شهرهای بزرگ محسوب می‌گردد (امکجی، ۱۳۸۳: ۸۶). شرایط شهرهای کوچک از نظر تولید و ساختار نهایی پیشتر توسعه روستایی و منطقه است (زبردست، ۱۳۸۳: ۲۵). نقش و عملکرد متعددی که برای مراکز روستایی بر شمرده می‌شود، در واقع پایه‌های نظری راهبردهای توسعه الگوی سکونتگاه‌های متوازن و متعادل را تشکیل می‌دهد. پایه‌های نظری راهبردهای توسعه الگوی سکونتگاهی متوازن و متعادل را تشکیل می‌دهد. طرفداران شهرهای کوچک، جنبه‌هایی از اهمیت این سکونتگاه‌ها را به عنوان مراکز خدمات منطقه‌ای در توسعه روستایی مطرح می‌کنند و بر ایجاد سلسله مراتب منسجم سکونتگاهی و نیز اثرات توزیع رخنه به پایین تاکید دارند (Satterthwait and Tacoli, 2003: 2).

برای توازن بخشیدن به مناطق روستایی شهرستان رودبار و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای اتخاذ راهبردهای متفاوتی در زمینه استقرار جمعیت ضروری است. تحقیق حاضر برای اولین بار در شهرستان، تقویت شهرهای کوچک را به عنوان یکی از مهمترین راهکارها به منظور دستیابی بهتر سکونتگاه‌های روستایی به خدمات شهری که موجب تقویت و تحریک توسعه مناطق روستایی می‌شود، مورد بررسی قرار داده است.

سرایی و اسکندری ثانی (۱۳۸۶) در مقاله خود با عنوان تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه‌ای (موردشناسی: ریوش شهرستان کاشمر) به فرآیند تبدیل روستا به شهر و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه‌ای اشاره دارند. شهر ریوش که در سال ۱۳۷۹ تبدیل به شهر شده است، در دو دوره‌ی زمانی قبل از شهر شدن و بعد از آن، به لحاظ متغیرهای مختلف جمعیتی، اشتغال، امکانات و تسهیلات خدماتی و تأثیرات آن بر ناحیه‌ی مورد مطالعه، مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصله از تحلیل‌ها نشان می‌دهد که این شهر، در تثبیت و نگهداری جمعیت عملکرد ضعیف، در بسط کارکردها به درون نواحی پیرامونی و حوزه‌ی نفوذ ناموفق و در ارایه‌ی اشتغال، امکانات و تسهیلات به آن کاملاً ناموفق بوده است. به همین دلیل، شهر و ناحیه مورد مطالعه در شهرستان کاشمر، بیشترین نرخ مهاجرت فرستی را داشته‌اند. نتیجه اینکه چون متعاقب تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک عمده سرمایه‌گذاری‌ها به امور زیربنایی و خدماتی اختصاص داده می‌شود نه به امور تولیدی و پایه‌ای؛ اینگونه سیاست‌ها فقط باعث تمرکز خدمات در این مراکز می‌شوند و نقاط مزبور نمی‌توانند نقش مورد انتظار را در تعادل بخشی ناحیه‌ای ایفا نمایند. در پایان برای رسیدن به توسعه‌ی متعادل و منطقی که همسو با توسعه‌ی پایدار شهری و ناحیه‌ای باشد، پیشنهاداتی ارایه گردیده است (سرایی و اسکندری ثانی، ۱۳۸۶: ۱۶۵). اسماعیل زاده (۱۳۸۷) در مقاله خود با عنوان نقش کارکردهای شهری در توسعه روستایی در منطقه بناب (از دیدگاه الگوی (UFRD) به بررسی شهر بناب به عنوان مرکز خدمات ناحیه‌ای پراخته و در این تحقیق مشخص گردیده که این شهر، ارائه دهنده بیشترین خدمات به جمعیت ساکن در منطقه بوده و پس از آن مراکز دهستان هستند که به مراکز سطح پایین‌تر خدمات رسانی می‌نمایند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که اکثر دهستان‌ها از نظر وجود امکانات وضعیت متعادلی را کسب کرده اند ولی این منطقه فاقد یک شبکه ارتباطی موزون، یکپارچه و منطقی بوده و بدین معنی که ارتباط بین شهر بناب با مراکز دهستان، ارتباط مراکز دهستان‌ها با همدیگر و ارتباط بین این مراکز با مکانهای غیر مرکزی از نظم خاصی تبعیت نمی‌کند. منطقه یاد شده با فقدان سلسله مراتب منطقی شبکه ارتباطی مواجه است و این امر یکی از موانع عمده توسعه یک پارچه و فیزیکی روستاها و مراکز دهستان‌های شهرستان نبود شبکه ارتباطی منظم است (اسماعیل زاده، ۱۳۸۷: ۳۱). نوری و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود با عنوان نقش شهرهای کوچک در تعادل بخشی نظام سکونتگاهی روستایی استان یزد به بررسی تاثیر شهرهای کوچک بر روستاهای پیرامون پرداختند و در این تحقیق مشخص گردید که شهرهای کوچک به عنوان کانون‌های رشد نواحی روستایی و بستر توسعه هماهنگ شهر و روستا محسوب می‌شوند (نوری و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۵-۷۲). شکور و شمسی‌آبادی (۱۳۹۱)، در مقاله خود با عنوان نقش آفرینی کانون‌های شهری در ایجاد تعادل و توسعه نواحی روستایی (مورد: شهر مصیری و روستاهای پیرامونی)، به این نتیجه رسیدند که شهر مصیری از آغاز برپایی در سال ۱۳۷۶، علیرغم افزایش دامنه عملکرد فضایی خود نتوانسته در قامت یک شهر پویا از بدو تاسیس تا کنون در ناحیه عرض اندام نماید، بطوری که شهر ضمن افزایش جمعیت خود به واسطه مهاجر پذیری، در تثبیت و نگهداشت جمعیت روستایی ناحیه نا موفق بوده است. همچنین این شهر در توزیع خدمات به نواحی پیرامون نسبتاً ضعیف و در زمینه اشتغال‌زایی و رفع بیکاری در منطقه نیز عملکرد ضعیفی داشته است. در نهایت روستا شهر مصیری نتوانسته زمینه‌های ایجاد تعادل فضایی در ناحیه و بالطبع توسعه روستاهای پیرامونی را فراهم بیاورد (شکور و شمسی‌آبادی، ۱۳۹۱: ۶۳). فنی (۱۳۹۲) در پژوهشی با نام شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای، از آنجایی که عملکرد این شهرها در ارتباط با نواحی روستایی پیرامون رابطه مستقیم با سیستم حمل و نقل و شبکه ارتباطی ناحیه‌ای که شهر در آن واقع است دارد. تقویت و تجهیز این سیستم و شبکه باعث خواهد شد که شهر برای

تولیدکنندگان روستایی و ناحیه‌ای سهل‌الوصول تر، اقتصاد شهر پویا و پر تحرکتر و در نهایت درآمد بالقوه در شهر و روستا افزایش پیدا کند. ضمن اینکه علاوه بر دسترسی کامل محلی، شهر با دیگر کانون‌های شهری و روستایی در سطح منطقه و استان مرتبط و در تعامل خواهد بود (فنی، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

نظریه پیوندهای دو سوپه روستا-شهری "فریدمن و داگلاس": روستا شهر یا شهر کشاورزی روستاهای بزرگ و پرجمعیتی هستند که چشم اندازهای شهری نیز همراه با چشم‌اندازهای روستایی در آنها دیده می‌شود. فعالیت اقتصادی غالب این روستاها ممکن است کشاورزی باشد، ولی فعالیت‌های خدماتی و گاهی صنعتی نیز در آنها رواج دارد. همچنین ساختار اجتماعی، فرهنگی و فیزیکی این روستاها نیز به شهرها شباهت دارد. به این قبیل روستاها که ترکیبی از چشم‌اندازهای فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر و روستا در آنها دیده می‌شود می‌توان اصطلاح روستا شهر را اطلاق کرد (سعیدی، ۱۳۸۲، ۹۰-۷۱).

جان فریدمن و مایک داگلاس با توجه به ضعف‌های موجود در نظریات قطب رشد و مرکز-پیرامون، خطوط نظریه جدیدی را تحت عنوان سیاست آمایشی توسعه روستا شهری مطرح کرده‌اند که تجسم ایجاد شهرها در پهنه کشتزارها است؛ یعنی روستا شهرهایی که پاره‌ای از عناصر کلیدی شهرگرایی را در نواحی کوچک و پرتراکم روستایی داراست (سعیدی، ۱۳۸۲، ۹۰-۷۱). داگلاس معتقد است روستا و شهر تا به امروز به صورت مجزا مورد بررسی قرار گرفته است که یا شهرگرا بوده‌اند یا روستاگرا (نگرشی یک طرفه). وی در این نظریه، پیوندهای روستا شهری و وابستگی متقابل آنها را در نظر می‌گیرد تا بتواند تداوم نگرش مجزا و منفرد به روستا به شهر در برنامه‌ریزی و تئوری‌های توسعه فائق آید (Douglass, 1998:17).

ایده و موضوع مطالعه‌ی نقش و تاثیر نقاط شهری کوچک در سطح منطقه‌ای و محلی شاید اولین بار با کار جانسون ۱۹۷۰ و بحث "مراکز توسعه روستایی" توسط فانل ۱۹۷۶ آغاز و مطرح گردید که تقریباً جدیدترین موضوع در توسعه منطقه‌ای بود (Barean, 2009: 12-15). بدون شک یکی از مهمترین طرفداران این دیدگاه، دنیس راندینلی است که با همکاری رودل در سال ۱۹۷۸، بحث عمیق و گسترده‌ای در این زمینه را با نوشتن کتاب عملکردهای شهری در توسعه روستایی فراهم آورد (Baresky, 2009: 88). هانسن، (۱۹۸۰) در ارتباط با شهرهای کوچک مطالعات زیادی انجام داده و معتقد است که برای دستیابی کشورهای جهان سوم به رشد و عدالت، ضروری است تا شهرهای کوچک و میانی این نقش را ایفا نمایند و رشد اقتصادی، عدالت و رفاه عمومی را با یکدیگر پیوند بزنند (محمدزاده تیتکانلو، ۱۳۸۱: ۹۳). کاماندا با مطالعه شهرهای کوچک در آمریکای جنوبی به این رسیده است که توسعه و تقویت شهرهای کوچک منجر به ایجاد اشتغال، تمرکز زدایی، جذب سرمایه گذاری‌ها و کاهش نابرابری‌های ناحیه‌ای شده است (Kamanda, 2007: 63).

پی‌یون (۲۰۰۸) شهرهای کوچک مکان‌های مناسبی برای توسعه کانون‌های زیستی بوده و مهاجران روستایی را در برخی فعالیت‌های صنعتی و خدماتی جذب نموده و مانع از حرکت آنها به شهرهای بزرگ منطقه می‌شود (Puwen, 2008:83). لیگاله ۱۹۸۲، با بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه ملی آفریقا به این نتیجه رسید که این شهرها با ارائه نقش مرکزیت در حوزه‌های روستایی به عنوان مرکز محرک توسعه در نواحی روستایی به شمار می‌آیند (Ligale, 1982:9).

جی، یو آمو، ۱۹۸۳، نیز با مطالعه شهرهای کوچک و میانی به عنوان استراتژی توسعه در کشورهای جهان سوم، ضرورت دستیابی به نظام منطقی سکونتگاه‌ها را در این کشورها ضروری دانسته و ابراز داشته که تقویت این مراکز منجر به توسعه روستایی می‌گردد (Umo, 1983:9). هاردوی و ساترتوایت اهمیت شهرهای کوچک در کشورهای جهان سوم را به عنوان مراکز سیاسی و اداری، مراکز ارائه خدمات و مراکز مدیریتی نواحی روستایی مورد بررسی قرار داده‌اند (Hardoy & Satterthwaite, 1986:9).

در کشور ایران نیز توجه به شهرهای کوچک به عنوان عامل اصلی حفظ تعادل محیطی جامعه روستایی در طرحی موسوم به ستیران (۱۳۵۶) مطرح گردید. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در برنامه‌های دوم الی پنجم توسعه حمایت از شهرهای کوچک با تاکید بر جلوگیری از توسعه کلان شهرها پرداخته شده است (زبردست، ۱۳۸۳: ۵۸).

در کشور ایران نیز توجه به شهرهای کوچک به عنوان عامل اصلی حفظ تعادل محیطی جامعه روستایی در طرحی موسوم به ستیران (۱۳۵۶) مطرح گردید. بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، در برنامه‌های دوم الی پنجم توسعه به حمایت از شهرهای کوچک با تاکید بر جلوگیری از توسعه کلان شهرها پرداخته شده است (زبردست، ۱۳۸۳: ۵۸) و عاملی برای تمرکز بیش از حد جمعیت و فعالیت در شهرهای بزرگ محسوب می‌گردد (امکچی، ۱۳۸۳: ۸۶).

روش پژوهش

در این تحقیق با استفاده از مدل‌های آنتروپی و کشش‌پذیری به بررسی نقش شهرهای شهرستان رودبار در ایجاد تعادل فضایی و تثبیت جمعیت در روستاهای حوزه نفوذ آن پرداخته می‌شود که در ادامه مدل‌های مورد استفاده مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

ضریب آنتروپی

ضریب آنتروپی دامنه‌ای بین صفر و یک دارد؛ هر چه مقدار آن به یک نزدیک باشد نشانگر توزیع عادلانه و هر چه به صفر نزدیک‌تر باشد نشان دهنده عدم تعادل در توزیع جمعیت است (Tasi, 2005:145). بر اساس این مدل، اگر آنتروپی به طرف صفر میل کند حکایت از تمرکز بیشتر و عدم تعادل در توزیع جمعیت شهرها دارد و بالاتر از آن، توزیع متعادل‌تری در عرصه منطقه‌ای نشان می‌دهد (Subhira, 2003: 299-311).

فرمول آنتروپی به شرح زیر است:

H: مجموع فراوانی در لگاریتم نپری فراوانی؛

Pi: فراوانی نسبی؛

LnPi: لگاریتم نپری فراوان؛

K: تعداد طبقات؛

G: میزان آنتروپی

$$H = - \sum_{i=1}^K P_i \ln P_i \quad (1)$$

مدل آنتروپی معیاری برای سنجش یکنواخت بودن متغیری مانند توزیع جمعیت؛ در شهرهای یک منطقه است. در مطالعه رویکرد جمعیت با استفاده از این شاخص، تاثیر وجود مرتبه شهرهای کوچک، در تحقیق هر یک از اشکال تعادل یا تمرکز در نظام توزیع جمعیت منطقه مورد مطالعه، شناسایی و تحلیل شده است (فنی، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

مدل کشش پذیری

این مدل شاخصی است که به وسیله آن می‌توان درصد جمعیت شهرنشین را در مقابل جمعیت کل برآورد نمود. یعنی در مقابل هر یک درصد افزایش جمعیت کل (کشور، استان، شهرستان) در دوره زمانی مشخص، جمعیت شهرنشین (در شهر مورد نظر) چه میزان افزایش یا کاهش داریم. همچنین از طریق این شاخص می‌توان گرایش‌های موجود در فضای منطقه و میزان کشش پذیری جمعیتی آن را محاسبه و در مقیاس منطقه‌ای با سایر کانون‌های جمعیتی مقایسه نمود (حکمت نیا و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۰۸). معیار کشش پذیری عدد نزدیک به یک و بالاتر است (زیاری، ۱۹۷۳: ۱۹). وقتی ضریب کشش‌پذیری به سمت بالاتر از یک میل کند دلیل بر جذب جمعیت بیشتر در شهر می‌باشد و کمتر از آن عکس این حالت معنا می‌دهد.

$$E = \frac{ru(t, t+10)}{r(t, t+10)} \quad (2)$$

ru = نرخ رشد سالانه جمعیت شهری
 r = نرخ رشد سالانه کل جمعیت

در گردآوری اطلاعات از دو شیوه مطالعات اسنادی و میدانی استفاده شده است. مطالعات میدانی از طریق مشاهده و تکمیل پرسشنامه صورت گرفته و در مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای از مدارک و اسناد مرتبط با تحقیق (مقاله، پایان نامه، کتاب و ...) استفاده می‌شود. ابزار و وسایلی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته عبارتند از: عکس، فیش‌های اطلاعاتی، مصاحبه و مشاهده.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

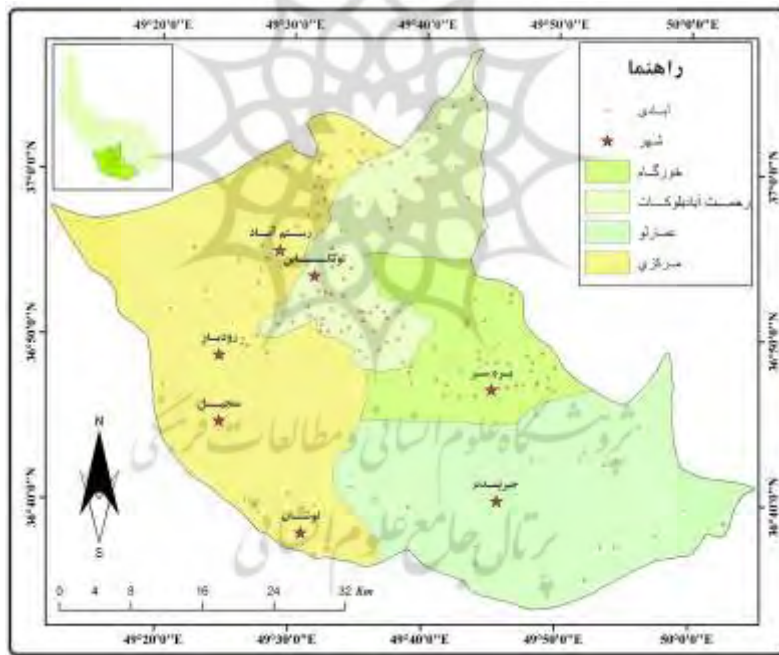
شهرستان رودبار در جنوب استان گیلان به مرکزیت شهر رودبار قرار دارد. این شهرستان از شمال به شهرستان رشت، از جنوب به استان قزوین، از شمال غرب به شهرستان شفت، از غرب به استان زنجان و از شرق به شهرستان سیاهکل محدود می‌شود. شهرستان رودبار با حدود ۲۵۱۷ کیلومتر مربع مساحت (سالنامه آماری استان گیلان، ۱۳۹۰: ۶۰) دارای هفت شهر به نام‌های رودبار،

منجیل، جیرنده، رستم آباد، لوشان، توتکابن و بره سر است. براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال 1390، شهرستان رودبار دارای 4 بخش، 7 شهر، 10 دهستان و 205 آبادی است (فرهنگ آبادی‌های شهرستان رودبار، 1390: 13).

جدول 1. تعداد شهرها، دهستان‌ها، آبادی‌های دارای سکنه شهرستان به تفکیک بخش

بخش	شهر	دهستان	آبادی‌های دارای سکنه	آبادی‌های دارای سکنه	آبادی‌های خالی از سکنه	کل آبادی‌ها
کل شهرستان	7	10	-	164	41	205
بخش خورگام	1	2	خورگام	30	1	43
			دلفک	8	4	
بخش رحمت‌آباد و بلوکات	1	3	بلوکات	18	3	67
			دشتویل	24	0	
			رحمت‌آباد	18	4	
بخش عمارلو	1	2	جیرنده	14	7	32
			کلیشم	9	2	
بخش مرکزی	4	3	رستم‌آباد جنوبی	12	4	63
			رستم‌آباد شمالی	16	4	
			کلشتر	15	12	

منبع: سالنامه آماری استان گیلان، 1395، 64-63



شکل 1. موقعیت جغرافیایی شهرستان رودبار به تفکیک بخش

جدول 2. جمعیت بر حسب جنس و نوع خانوار شهرستان رودبار (سرشماری 1395)

جنس	جمعیت	ساکن		
		معمولی	گروهی	موسسه‌ای
مرد و زن	100943	99157	240	1546
مرد	51699	49046	193	1395
زن	49244	50111	47	151

منبع: سالنامه آماری استان گیلان، 1395، 108-107.

یافته‌ها و بحث

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها بر اساس مدل‌های مورد استفاده نشان می‌دهد که:

ضریب آنتروپی

میزان ضریب آنتروپی در شهرهای لوشان، رودبار، رستم‌آباد، جیرنده و توتکابن دارای روند نزولی نسبت به روستاهای حوزه نفوذ مستقیم خود هستند. این امر نشان می‌دهد که این شهرها نتوانسته‌اند نقش تعادلی در توزیع متعادل جمعیت روستاهای حوزه نفوذ مستقیم خود ایفا نمایند. با این وجود ضریب آنتروپی در شهرهای مختلف شهرستان رودبار از شدت و ضعف برخوردار است. شهر لوشان با شیب بسیار تند نسبت به شهرهای دیگر به سمت صفر حرکت کرده و نشان می‌دهد که این شهر نتوانسته در تعادل بخشی و توزیع متعادل جمعیت روستاهای حوزه نفوذ خود توفیق حاصل نماید. البته دلایلی چون شدت بخشیدن به امر توسعه شهرک‌های صنعتی و وجود دو کارخانه سیمان و نیاز به کارگر در این شهر و همچنین خشکسالی‌های صورت گرفته در محدوده این شهر خشک (از نظر آب و هوایی) از دلایل مهاجرت ساکنان روستاهای حوزه نفوذ مستقیم به شهر لوشان است. شهرهای رودبار و رستم‌آباد و جیرنده نیز با شیبی کمتر از شهر لوشان به سمت صفر سیر کرده و عملکردی ضعیف‌تر را در عدم تعادل بخشی و توزیع متعادل جمعیت در روستاهای حوزه نفوذ خود ایفا نموده‌اند.

جدول ۳. ضریب آنتروپی (آنتروپی نسبی) شهرهای شهرستان رودبار (۹۵-۱۳۸۵)

شهر سال	۱۳۸۵	۱۳۹۵
رودبار	۰.۸۱۰	۰.۶۷۶
رستم‌آباد	۰.۸۵۶	۰.۶۹۷
لوشان	۰.۸۲۶	۰.۵۹۰
منجیل	۰.۴۳۱	۰.۴۳۱
توتکابن	۰.۸۳۳	۰.۸۲۶
جیرنده	۰.۸۱۳	۰.۷۵۳
بره سر	۰.۸۰۳	۰.۸۳۰

شهرهای توتکابن با تغییرات بسیار اندک به سمت صفر و منجیل، بدون تغییر طی دو دوره آماری حالتی خنثی داشته و توانسته‌اند تا حدودی، در تعادل بخشی و توزیع متعادل جمعیت در روستاهای حوزه نفوذ خود ایفای نقش نمایند. اما شهر بره سر بسیار موفق‌تر عمل کرده و بر اساس مدل آنتروپی توانسته است، توزیع متعادل و متوازی را در جمعیت سکونتگاه‌های روستایی حوزه نفوذ خود بوجود آورد و تعادل در توزیع جمعیت این روستاها را سبب شود. بر اساس اعداد بدست آمده چنین استنتاج می‌شود که این فرایند تاثیر نسبتاً مطلوبی در توزیع متعادل جمعیت و استقرار سکونتگاه‌ها در محدوده حوزه نفوذ خود داشته است و منطقه را به سوی تعادل در سلسله مراتب شهری و توزیع فضایی سوق می‌دهد.



شکل ۲. ضریب آنتروپی (آنتروپی نسبی) شهرهای شهرستان رودبار طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۵

ضریب کشش پذیری

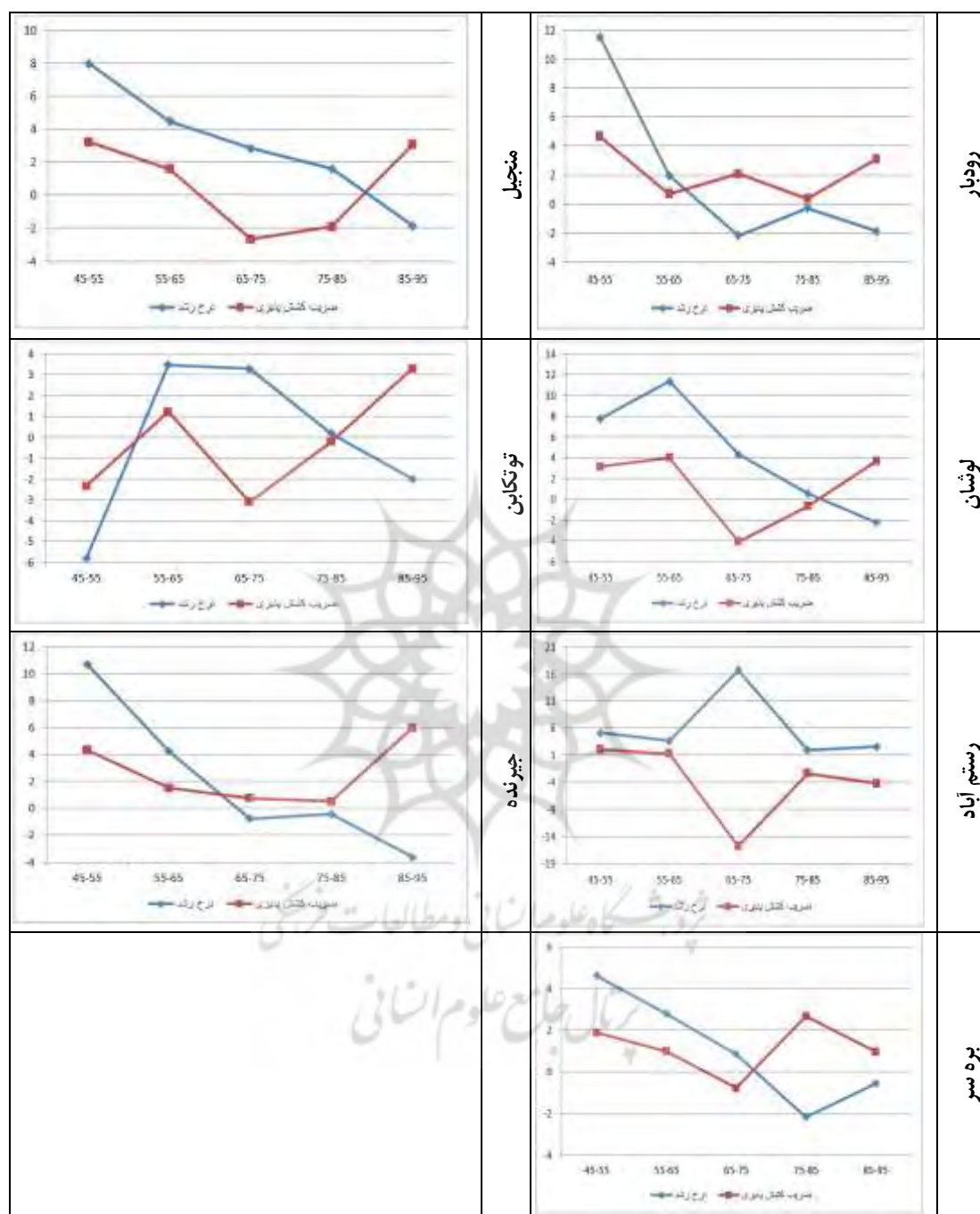
هنگامی که ضریب کشش‌پذیری جمعیت شهرهای مورد مطالعه بر ضریب منطقه یا استان پیشی گیرد، می‌تواند دلیلی بر وجود روندهای ضد تمرکز در سطح منطقه و رشد تدریجی شهرهای کوچک باشد. افزایش ضریب مورد نظر در یک دهه بیشتر با دامنه‌دار شدن حرکت‌های مهاجرتی به کانون‌های مورد نظر و کاهش ضریب، با کند شدن یا توقف جریان‌های مهاجرتی به آنها مطابقت و همخوانی دارد (فنی، ۱۳۸۸: ۱۰۵). بر این اساس و با توجه به فرمول ضریب کشش‌پذیری ابتدا نرخ رشد سالانه شهرهای شهرستان رودبار در دوره‌های آماری ۴۵-۵۵، ۵۵-۶۵، ۶۵-۷۵، ۷۵-۸۵ و ۸۵-۹۵ محاسبه گردید و سپس به بررسی کشش‌پذیری شهرهای رودبار، منجیل، لوشان، رستم‌آباد، توتکابن، جیرنده و بره‌سر پرداخته شد که در ذیل به توضیحاتی درباره آن اقدام می‌گردد.

محاسبه‌ی مدل کشش‌پذیری جمعیت در شهرهای شهرستان رودبار، توان افزایش جمعیت شهرهای کوچک را مشخص نمود. همانگونه که ذکر شد هر چه میزان ضریب کشش‌پذیری بیشتر از یک شود دلیل بر جذب جمعیت در کانون‌های شهری است. برای تعیین و ارزیابی میزان انعطاف‌پذیری جمعیت کانون‌های کوچک شهری در مقابل کل منطقه یا استان می‌توان از این شاخص استفاده کرد. برای این کار ابتدا نرخ رشد جمعیت این شهرها و استان مورد نظر را طی دهه‌های مختلف زمانی محاسبه نموده، سپس با استفاده از اطلاعاتی چون نرخ رشد شهری هر یک از نقاط شهری، به تعیین ارزیابی شاخص پرداخته می‌شود. در پایان، اگر ضریب کشش‌پذیری از عدد یک بالاتر میل کند دلیل بر وجود توان جذب جمعیت شهر است و کمتر از عدد یک، عکس این حالت را معنا می‌دهد.

با توجه به ضریب کشش‌پذیری بدست آمده در شهرهای شهرستان رودبار مشخص گردید که روند میزان کشش‌پذیری شهر رودبار در بازه زمانی ۴۵-۹۵ دارای تحولات زیادی بوده به گونه‌ای که از دوره زمانی ۴۵-۵۵ تا ۶۵-۵۵ سیر نزولی داشته ولی در دوره بعدی یعنی پس از وقوع زلزله ۳۱ خرداد شهر رودبار به عنوان یک شهر دارای کشش‌پذیری زیاد مطرح گردید. این کشش‌پذیری به دلیل ویرانی پس از زلزله و عدم وجود زمین مناسب برای اسکان ساکنان محلی به واسطه توپوگرافی شهر رودبار، مهاجرت ساکنان محلی از این شهر به شهرهای دیگر مانند رشت و قزوین صورت پذیرفت. ولی در همین زمان جذب مهاجر توسط شهرهای منجیل، لوشان، رستم‌آباد، توتکابن و بره‌سر به دلیل توپوگرافی مناسب این شهرها در جذب آسیب‌دیدگان از زلزله دارای کاهش ضریب کشش‌پذیری شدند بطوری که این امر در رستم‌آباد به شدیدترین وضع خود به میزان ۱۵۸۱- رسید. این امر در شهر جیرنده دارای شیب ملایم و بدون نوسان بوده‌است. ولی سیر ظرفیت کشش‌پذیری پس از شهر شدن در جیرنده سیر صعودی را طی می‌نماید همچنین مشاهده می‌شود که افزایش ضریب کشش‌پذیری در شهرهای شهرستان رودبار به واسطه شهر شدن این مراکز جمعیتی، دارای سیر صعودی بوده است.

جدول ۴. میزان ضریب کشش‌پذیری شهرهای شهرستان رودبار در دوره آماری (۹۵-۱۳۴۵)

مشخصات	دوره ۴۵-۵۵		دوره ۵۵-۶۵		دوره ۶۵-۷۵		دوره ۷۵-۸۵		دوره ۸۵-۹۵	
	کشش پذیری	نرخ- رشد	کشش پذیری	نرخ- رشد	کشش پذیری	نرخ- رشد	کشش پذیری	نرخ- رشد	کشش پذیری	نرخ- رشد
رودبار	۱۱،۵۲	۴،۶۶	۱،۹۵	۰،۶۹	-۲،۱۸	۲،۰۶	-۰،۲۹	۰،۳۶	-۱،۸۹	۳،۱۱
منجیل	۷،۹۶	۳،۲۲	۴،۴۸	۱،۵۸	۲،۸۳	-۲،۶۷	۱،۵۹	-۱،۹۲	-۱،۸۷	۳،۰۷
لوشان	۷،۷۶	۳،۱۳	۱۱،۳۷	۴	۴،۳۱	-۴،۰۸	۰،۵۶	-۰،۶۸	-۲،۲۵	۳،۷۰
توتکابن	-۵،۸۲	-۲،۳۵	۳،۴۷	۱،۲۲	۳،۲۹	-۳،۱۱	۰،۱۹	-۰،۲۳	-۲،۰۱	۳،۲۹
جیرنده	۱۰،۶۷	۴،۳۱	۴،۲۳	۱،۴۹	-۰،۷۹	۰،۷۴	-۰،۴۳	۰،۵۲	-۳،۶۴	۵،۹۶
رستم‌آباد	۵،۱۲	۲،۰۷	۳،۶۶	۱،۲۹	۱۶،۷۲	-۱۵،۸۱	۱،۹۶	-۲،۳۷	۲،۵۷	-۴،۲۱
بره‌سر	۴،۶	۱،۸۶	۲،۷۷	۰،۹۷	۰،۸۳	-۰،۷۹	-۲،۱۹	۲،۶۶	-۰،۵۷	۰،۹۴



شکل ۳. میزان ضریب کشش پذیری شهرهای شهرستان رودبار در دوره آماری (۹۵-۱۳۴۵)

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با رویکرد کاربردی و با هدف تحلیل و بررسی کارکرد شهرهای شهرستان رودبار در توسعه روستاهای این شهرستان به رشته تحریر درآمده است. در این تحقیق با تکیه بر مدل‌های کمی سعی در پرداختن به این امر شده است و آنچه مسلم است به منظور تعادل بخشی نظام سکونتگاهی و جلوگیری از تمرکز بیشتر در شهرهای بزرگ اتخاذ رویکرد نوین توسعه فضایی با تاکید بر توسعه و تقویت شهرهای کوچک امری ضروری است. نتایج حاصل از یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شهرهای کوچک شهرستان رودبار در تثبیت و نگهداری جمعیت شهرستان عملکرد مثبتی داشته‌اند. در مطالعه موردی در کارکرد یعنی توانایی تثبیت و نگهداری جمعیت در شهرستان این شهرها عملکرد مثبتی داشته‌اند و همچنان ناحیه تحت پوشش خود را به عنوان یکی از مهاجر پذیرترین‌ها در داخل شهرستان نگهداشته است. مطالعات میدانی نشان می‌دهد که شهرهای این شهرستان در زمینه ارائه خدمات و گسترش کارکردهای شهری به درون نواحی پیرامون و حوزه نفوذ باز هم عملکرد مناسبی داشته‌اند. بطوریکه میزان تغییرات جمعیتی روستاهای حوزه نفوذ این شهرها در دوره زمانی مورد بررسی، تغییرات چشمگیری به خود دیده است. نتایج حاصل حاکی از آن است که تبدیل بره‌سر و توتکابن و رستم‌آباد به نقطه شهری اثر مطلوبی در سازماندهی فضایی به نواحی پیرامون داشته است، چرا که قبل از شهر شدن بره‌سر، توتکابن و رستم‌آباد همه نقاط روستایی جهت تامین خدمات خود به شهر رودبار، رشت و قزوین به ترتیب در فواصل ۱۰، ۲۰ و ۴۵ و ۷۰ کیلومتری و یا بیشتر مراجعه داشته و به شهرهای مذکور وابستگی داشته‌اند. اما با شهر شدن و استقرار امکانات و خدمات در شهرهای مذکور از میزان مراجعات و وابستگی نقاط روستایی به شهرهای مذکور کاسته شده است. نتایج مطالعات ساختار اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی حاکی از آن است که نرخ رشد انتظاری شهرهای رودبار در تمام موارد مثبت می‌باشد که ناشی از موفقیت این شهرها در ارائه شغل در مقایسه با استان است. و سرمایه‌های حاصل از مازاد تولید به جای سرازیر شدن به شهرهای بزرگتر مثل رشت، قزوین و تهران، صرف فعالیت‌های صنعتی در شهرهای شهرستان شده است بطوریکه در حال حاضر واحدهای کارگاهی صنعتی در این شهرستان مشغول به فعالیت است.

در این تحقیق مشخص گردید که شهرهای کوچک و متوسط شهرستان رودبار در تجهیز خدمات زیربنایی و امکانات نواحی روستایی پیرامون خود تاثیرگذار بودند. با بررسی نتایج حاصل از تحلیل یافته‌های تحقیق مشخص گردید که شهرهای شهرستان رودبار با دارا بودن مراکز خدماتی به نسبت مطلوب اداری، آموزشی، تجاری و دیگر امکانات خدماتی به عنوان مرکز خرید مازاد تولیدات کشاورزی و محل ارائه خدمات مورد نیاز به ساکنین حوزه نفوذ مستقیم خود شناخته می‌شوند. بطوری که روستاهای حوزه نفوذ مستقیم، خدمات خود را به صورت روزانه از این شهرها دریافت می‌نمایند. بنابر این شهرهای شهرستان رودبار به لحاظ توزیع کارکردهای اقتصادی در حوزه نفوذ روستایی خویش به نسبت دارای عملکرد خوبی بوده و توانسته‌اند در تجهیز خدمات زیر بنایی و امکانات نواحی روستایی خود تاثیرگذار باشند.

همچنین بین اندازه جمعیت و کارکرد شهرها و تحولات اقتصادی روستاهای ناحیه، تفاوت وجود دارد. در رابطه با اندازه جمعیت و کارکرد شهرها در نواحی روستایی پیرامون از مدل‌های کمی آنتروپی و کشش‌پذیری استفاده گردید و نتایج حاصل نشان داد که شهرهای منجیل، بره‌سر و تا حدودی توتکابن توانسته‌اند در نگهداشت نیروی کار و اقتصاد روستاهای حوزه نفوذ خود مثبت عمل کنند ولی دیگر شهرهای شهرستان در این زمینه تاثیر کمتری جهت نگهداشت نیروهای فعال در داخل روستاهای حوزه نفوذ مستقیم خود داشته و نتوانسته‌اند تاثیر مطلوبی در توزیع متعادل و متوازن جمعیت و استقرار سکونتگاه‌های روستایی خود داشته باشند. اما با بررسی انجام شده در مورد مهاجرت‌های صورت گرفته مشخص گردید که وجود شهرهای شهرستان رودبار علیرغم تسهیل در امر مهاجرت از روستا به شهر باعث از بین رفتن و نابودی اقتصاد روستا نگردیده بلکه مهاجرت به شهر به منظور استفاده از امکانات شهری صورت گرفته و کشاورزان در فصول کشاورزی به علت بعد مسافت کم شهر تا روستای خود به فعالیت‌های کشاورزی نیز مشغول می‌باشند.

در نهایت نیز مشخص گردید که بین فاصله از مراکز شهری و کیفیت شبکه‌های ارتباطی با تحولات کالبدی و اقتصادی جامعه روستایی ناحیه رابطه وجود دارد. افزایش دامنه نفوذ و عملکرد فضایی شهرهای شهرستان رودبار باعث شده تا این شهرها جایگاه خود را در نگهداشت جمعیت به عنوان نیروی کار در اقتصاد روستاهای حوزه نفوذ ایفا نمایند. یکی از متغیرهای لازم برای نگهداشت نیروی کار فعال وجود راه‌ها و شبکه‌های ارتباطی مناسب جهت تسهیل در دسترسی به شهرها است. راه‌های ارتباطی مناسب بین مراکز شهری و روستاهای پیرامون باعث می‌گردد تا ساکنان روستا در هر زمان که بخواهند از امکانات شهری استفاده

نموده و کمتر تمایل به مهاجرت به شهر داشته باشند و از این رو تاثیر مثبت در تثبیت روستاها داشته و بر این اساس شبکه راه‌های ارتباطی بر تحولات کالبدی و اقتصادی جامعه روستایی شهرستان رودبار رابطه مستقیم دارد.

تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی بوده که در گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت از آن دفاع شده است.

منابع

- اسماعیل‌زاده، حسن. (۱۳۸۷). نقش کارکردهای شهری در توسعه روستایی در منطقه بناب (از دیدگاه الگوی (UFRD)). مجله رشد آموزش جغرافیا، ۸۴، ۳۳-۲۶.
- امکچی، حمیده. (۱۳۸۳). شهرهای میانی و نقش آنها در چهارچوب توسعه ملی. چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- پاتر، رابرت و ایونز، سلی لوید. (۱۳۸۴). شهر در جهان در حال توسعه. ترجمه کیومرث ایران‌دوست و دیگران، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- حکمت‌نیا، حسن و موسوی، میر نجف. (۱۳۸۵). کاربرد مدل در برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای. چاپ اول، یزد: انتشارات علم نوین.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و ایزدی خرامه، حسن. (۱۳۸۰). تحلیلی بر رویکرد مکان‌یابی و توزیع خدمات در مناطق روستایی: بررسی تطبیقی رویکرد کارکردهای شهری در توسعه روستایی (UFRD) و مدل تخصیص مکان (LA). تحقیقات جغرافیا، ۱۶ (۳)، ۶۲-۳۰.
- زبردست، اسفندیار. (۱۳۸۳). اندازه شهر. چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- زیاری، کرامت‌الله. (۱۳۸۷). اصول و روش‌های برنامه و برنامه‌ریزی منطقه‌ای. یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان. (۱۳۹۵). سالنامه آماری استان گیلان. معاونت آمار و اطلاعات.
- سرای، محمدحسین و اسکندری ثانی، محمد. (۱۳۸۶). تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه‌ای (موردشناسی: ریوش شهرستان کاشمر). جغرافیا و توسعه، ۵ (۱۰)، ۱۸۲-۱۶۵. doi: 10.22111/GDIJ.2007.3665
- شکور، علی و شمسی‌آبادی، علی. (۱۳۹۱). نقش کانون‌های شهری در ایجاد تعادل و توسعه نواحی روستایی (مورد: شهر مصیری و روستاهای پیرامون). مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۷ (۲۱)، ۷۷-۶۳.
- شبیعه، اسماعیل. (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری. چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- صرافی، مظفر. (۱۳۷۹). بخش ویژه پایداری شهری: شهر پایدار چیست؟ مدیریت شهری، ۴، ۱۳-۶.
- طاهرخانی، مهدی. (۱۳۷۹). نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی. رساله دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس.
- فنی، زهره. (۱۳۸۸). شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای. چاپ سوم، تهران: انتشارات آذرخش.
- کامران، فریدون. (۱۳۷۴). توسعه و برنامه‌ریزی روستایی. تهران: انتشارات آوای نور.
- محمدزاده تیتکانلو، حمیده. (۱۳۸۱). تبیین نقش شهرهای متوسط در توسعه فضایی منطقه‌ای مورد پژوهش شهر بجنورد. رساله دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران.
- مطیعی‌لنگرودی، سیدحسین. (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- مهدوی حاجیلویی، مسعود. (۱۳۶۹). مفهوم برنامه‌ریزی روستایی و اهداف آن. پژوهش‌های جغرافیایی، ۱۴، ۵۴-۴۸.
- مهندسین مشاور DHV از هلند. (۱۳۷۵). رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی. ترجمه بهنام شاهپوری و دیگران، روستا و توسعه، تهران، تهران: انتشارات وزارت جهاد و کشاورزی.

Barean, I. (2009). *Introduction to urban planning*. London.

Bareasky, F. (2009). *urban planning in small towns and Rural Area*. Routledge, London.

- Hardoy & Satterthwaite. (1986). *the Role Small and Intermedia Urban Centers in the National and Regional Development*. London.
- Kamanda, U. (2007). *concept of urban centers and small town in latin America: Brazilia*.
- Ligale, A, N. (1982). *The Role Small and Intermedia Citise in Nationnal Development in Africa*, UNCRD, Nagoya, japan.
- Puwen, K. (2008). *Role of small centers and development, a case study: Indonesia*, cambon university.
- Umo, Joe, U. (1983). *Small and Inttermedia Cities as a Development Strategy*, New Direction in UrbanGeography.
- Satterthwait, D., & Tacoli, C. (2003). *The Role of Small and Intermedia Urban Centers in Regiona and Rural Development*. International in Stitute for Environment and Development, Washington DC.
- Subhira, H.S., Ramachandar, T.V., & Jagdish, K.S. (2000). Urban Growth Analysis using Spatial temporal Data. *Journal of Remote sensing*, 31(4), 299-311. doi:10.1007/BF03007350
- Tsai, Yu. Hsin, (2005). Quantifying Urbanform Compactness versus Sprawal. *Urban studies*, 42(1), 141-161. doi:10.1080/0042098042000309748



How to cite this article:

Nasiri Moghadam, M., Amar, T., & Rezaei, P. (2025). Analysis of Urban Functions in Rural Development (Case Study: Rudbar County). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 20(2), 1-13.

ارجا به این مقاله:

نصیری مقدم، منوچهر؛ آمار، تیمور و رضایی، پرویز. (۱۴۰۴). تحلیل کارکردهای شهری در توسعه روستایی (مطالعه موردی: شهرستان رودبار). فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۲۰(۲)، ۱-۱۳.

فصلنامه علمی

مطالعات برنامه ریزی سکونگاه‌های انسانی

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی